



دختری که دوست خدا شد

طیبه ثابت - دستت رو روی قلبت بذار و همین طور که داری به صدای قلبت گوش می کنی، به این گفته ی خدای مهربونمون فکر کن که «من از رگ گردن به شما نزدیک ترم.» این گفته حتما به شما یک حس خوب می ده که خدای بزرگ و توانامون همیشه حواسش به ماست و نمی ذاره نگران چیزی باشیم. راستی، بگید بینم شما با خدای مهربون که خیلی دوستتون داره، چطور دوستی ای دارین؟ چقدر برای او دلتون تنگ می شه و باهاش حرف می زنین؟ امروز به سراغ دختر کوچولویی رفته ایم که تازه یک ماه از به سن تکلیف رسیدنش می گذره اما برای اینکه دوستی اش رو با خدا محکم تر کنه، در مراسم اعتکاف حسینیّه ی الزهرا (س) در بولوار نامجو شرکت کرده. حتما می دونین که ۱۳ تا ۱۵ ماه رجب، اون هایی که خدا رو خیلی دوس دارن، در مکانی مثل مسجد، گوشه نشینی و خلوت می کنن و روزه می گیرن و نماز می خونن و نیایش می کنن. راستی که خوش به حالشون!

این دختر خانم اسمش ریحانه نامور هست و توی مدرسه «روشنا» درس می خونه و پایه سومه.



ریحانه می که لحظه ای که داشته وسایلش رو برای اعتکاف رفتن آماده می کرده، احساس خیلی خوبی مثل پرواز داشته و از خوشی، دل توی دلش نبوده.

